خارج اصول1

یکشنبه24/ 6/ 98

\*اقسام واجب\*

خلاصه ای از بحث سال گذشته

سال قبل بحث مقدّمه ی واجب را بر اساس ترتیب کفایه و روش مرحوم آخوند شروع کردیم. اموری بعنوان مقدّمه برای ورود به این بحث عرض شد. چهار مقدّمه و قسمت اوّل از مقدّمه ی پنجم گذشت:

1.بحث از مقدّمه ی واجب، بحث از وجوب مقدّمه نیست.

2. بحث از مقدّمه ی واجب، بحث از ملازمه ی بین وجوب ذی المقدّمه و وجوب مقدّمه است و یک بحث عقلی است نه لفظی؛ لذا شامل مستحبّ نیز می شود.

3.طولانی شدن بحث مقدّمه ی واجب –گرچه خود این بحث ثمره ی عملی زیادی ندارد لکن- بخاطر مطرح شدن مباحثی در لابلای این بحث است که ثمره ی علمی دارد مانند اقسام واجب.

4.تقسیمات مقدّمه: مقدّمه چهار تقسیم دارد:

اوّل: «داخلیه و خارجیه»

دوّم: «عقلیه، شرعیه و عرفیه»

سوّم: «وجود، وجوب، صحّتّ و علم»

چهارم: «مقدّمه، مقارنه و مؤخّره».

5.تقسیمات واجب

اول:« مطلق و مشروط»

سال گذشته این مورد بیان شد. گفتیم قول مشهور این است که: واجب مشروط واجبی است که وجوبش مقیّد به قید و شرطی است؛ و واجب مطلق واجبی است که وجوبش مقیّد نیست. واجب مشروط مانند حجّ نسبت به استطاعت؛ وجوب حجّ، مقیّد به استطاعت است. و واجب مطلق مانند نماز نسبت به وضو؛ وجوب نماز مقیّد به وضو نیست بلکه با دخول وقت، نماز واجب می شود. بعبارة أخری: واجب مشروط، شرط الوجوب دارد ولی واجب مطلق شرط الوجوب ندارد، البته هردو شرط الواجب دارند.

دوّم: «معلّق و منجّز»

قبلاً عرض شد که در واجب مشروط و مطلق، سه نظریه موجود است: نظریه ی مشهور، صاحب فصول و شیخ انصاری؛ مشهور همان است که در بالا گفته شد.

اما صاحب فصول می فرماید:

و ينقسم باعتبار آخر إلى ما يتعلق وجوبه بالمكلف و لا يتوقف حصوله على أمر غير مقدور له كالمعرفة(1) و ليسم منجزا أو إلى ما يتعلق وجوبه به و يتوقف حصوله على أمر غير مقدور له و ليسم معلقا كالحج فإن وجوبه يتعلق بالمكلف من أول زمن الاستطاعة أو خروج الرفقة و يتوقف فعله على مجي‏ء وقته و هو غير مقدور له(2) و الفرق بين هذا النوع و بين الواجب المشروط هو أن التوقف هناك للوجوب و هنا للفعل‏.[[1]](#footnote-1)

(1)یعنی تعلّم مسائل دین.

توضیح

واجب منجّز واجبی است که وجوبش فعلی است و فعل واجب، متوقف بر امر غیرمقدوری نیست مانند یادگرفتن احکام که وجوبش منجز است.

واجب معلّق واجبی است که وجوبش فعلی است ولی فعل واجب، متوقّف بر امر غیرمقدوری است مانند حجّ که وجوبش با استطاعت فعلی می شود ولی فعل واجب، متوقّف بر رسیدن ماه ذی الحجّه است.

آخوند می فرماید: واجب مشروط شیخ، همان واجب معلّق صاحب فصول است؛ (چرا؟ زیرا شیخ فرمود: در واجب مشروط، مادّه ی امر مقیّد است نه هیئت امر؛ در نتیجه فعل واجب، مقیّد است نه وجوب؛ و این همان مطلب صاحب فصول است).

(پایان)

1. . و ينقسم باعتبار آخر إلى ما يتعلق وجوبه بالمكلف و لا يتوقف حصوله على أمر غير مقدور له كالمعرفة و ليسم منجزا أو إلى ما يتعلق وجوبه به و يتوقف حصوله على أمر غير مقدور له و ليسم معلقا كالحج فإن وجوبه يتعلق بالمكلف من أول زمن الاستطاعة أو خروج الرفقة و يتوقف فعله على مجي‏ء وقته و هو غير مقدور له و الفرق بين هذا النوع و بين الواجب المشروط هو أن التوقف هناك للوجوب و هنا للفعل لا يقال إذا توقف فعل الواجب على شي‏ء غير مقدور له امتنع وجوبه قبله و إلا لزم أحد الأمرين من عدم توقفه عليه حيث وجب بدونه أو التكليف بالمحال حيث ألزم المكلف بالفعل في زمن يتعذر فيه حصول ما يتوقف عليه لأنا نقول ليس المراد بوجوب الفعل قبل حصول ما يتوقف عليه‏ أن يكون الزمان المتقدم ظرفا للوجوب و الفعل معا بل المراد أنه يجب على المكلف في الزمان السابق أن يأتي بالفعل في الزمن اللاحق كما يجب على المكلف في المكان الممنوع من العبادة فيه مثلا أن يأتي بها خارجة فالزمن السابق ظرف للوجوب فقط و الزمن اللاحق ظرف لهما معا. الفصول الغروية في الأصول الفقهية، ص: 80 [↑](#footnote-ref-1)